



| خرداد ۹۶ | شماره اول |



شکوه آفرینش



حمزه واقعی



علی، تصویر عشق است در افق عدالت و راز هستی در قاب خلقت.

علی، تمامت زیبایی، روح حماسه، تبلور بشکوه پارسایی، تندیس عدالت و تکثیر ایه ها و جلوه های آسمانی است.

او تعبیر بلند عشق است، تفسیر روشنایی و اهنگین ترین تغزل هستی و راز افرینش است در گستره گیتی و تصویر یک بی نهایت در امتداد تاریخ.

علی، دل بی قرار تاریخ است در ستاندن حق مظلومان و دادخواهان از دادگران و شکمبارگان.

و شکیباترین حنجره زخمی تنها مانده که برای پاسداشت دین محمد، دردهای پرشماری را بر شانه های زخمی خود میهمان ساخته بود.

سینه سینیایی علی هزاران راز ممکنون را با خود داشت و دل بی قرارش هزار جراحات، که احساس تاریخ را برای همیشه مجروح خواهد داشت.

در صحن چشمان علی می توان شراره عشق و زیباترین نیایش ها با معبود، اوج حکمت و اندیشه، طنین عدالت، تصویر سرخ درد، زخم نامردمی ها و ناسپاسی ها، خار خلیده در چشم و بغض خفته در گلو را یک جا به تماشا نشست.

علی، گل روییده بر شانه های حیات است که نوای دلنشینش، تصنیف هزاران حکمت است و نسیم روح انگیز باغ سخنش، تفسیر بدیع و بی بدیل خلقت. و ما نیز برای حسن مطلع این دفتر

به میهمانی سخنش می رویم:

«دنیا خانه ای است فرا گرفته بالا، شناخته به بی وفایی. نه به یک حال پایدار است و نه مردم آن، از سلامت برخوردار. دگرگونی پذیرد، رنگی دهد و رنگ دیگر گیرد. زندگی در آن ناباب است و ایمنی در آن نایاب و مردم دنیا نشانه هاینده، که آماجشان سازد. تیره های خود به آنان افکند و به کام مرگشان دراندازد.

و بندگان خدا! بدانید که شما و آنچه در آنند، به راه آنان که پیش از شما بودند روانید که زندگانی شان از شما درازتر بود، و خانه هاشان بسازتر و یادگار هاشان دیربازتر. کنون آواهاشان نهفته شد، و بادهاشان فرو خفته تن هاشان فرسوده گردید، خانه هاشان ت هی، و نشانه هاشان ناپدید. کاخهای افراشته و بالشهای انباشته را به جانهادند، و زیر خرسنگها و درون گورهای به هم چسبیده فتادند، جایی که آستانه اش را ویرایی پایه است و استواری بنایش را خاک، مایه. جای آن نزدیک است و باشنده آن دور و به کنار، میان مردم محله ای ترسان، به ظاهر آرام و در نهان گرفتار. نه در جایی که وطن گرفته اند، انس گیرند و نه چون همسایگان یکدیگر را پذیرند. با آن که نزدیک به هم آرمیده اند خانه هم رانده اند و چنان یکدیگر را دیدار کنند که فرسودگی شان خرد کرده است، سنگ و خاک آنان را در کام فرو برده. گویی شما هم به جایی رفته اید که آنان رفته اند، و آن خوابگاه به گروتان برداشته و آن امانت جای شما را در



دارد، نیک پذیره شدن شاید. پس، در دنیا از دنیا چندان توشه بردارید که فردا خود را بدان نگاه دارید. پس، بنده باید پروای پروردگار دارد، خیر خواه خود باشد و پیش از رسیدن مرگ توبه آرد. بر شهوت چیره شود و رهایش نگذارد چه مرگ او پوشیده است و آرزوی دراز وی را فریبده؛ و شیطان بر او نگهبان و هر لحظه گمراهی اش را خواهان. گناه را در دیده او می آراید، تا خویش را بدان بیالاید، که: بکن و از آن توبه نما! و اگر امروز نشد فردا، تا آنکه مرگ او سر بر آورد، و او در غفلت، خود را از اندیشه آن فارغ دارد. دریغا بر آن در غفلت به سر بردیده روزگار تبا، و عمر وی بر این تباهی و غفلت گواه.

(نهج البلاغه، خطبه ۶۴، ترجمه شهیدی)
آری! علی را فقط می توان در نسیم باغ سخنش به تماشا نشست و در نهج البلاغه اش نشناخت. فقط می توان گفت: علی تصویر یک بی انتهاست در افق تاریخ، زیباترین تصویر یک بی نهایت در قاب خلقت.

کنار خود داشته بود. پس چگونه خواهید بود اگر کار شمار به سر آید و گورها گشاید؟ «آن هنگام آزموده می شود هر کسی بدانچه پیشاپیش فرستاده، و باز گردانیده می شوند به سوی خدا که مولای راستین آنهاست و به کارشان نیاید آنچه به دروغ برمی بافتند.» (نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، نامه ۲۵۵) و در جای دیگری این گونه هشدار می دهد: «بندگان خدا! از - نافرمانی - خدا بپرهیزید، و پیش از رسیدن اجل به کار برخیزید. آنچه را برای شما می ماند، بدانچه از دستتان می رود بخرید. دنیا را واگذارید و کردار نیک را با خود ببرید - بار بر بندید که شما را در این خانه نمی گذارند، بی در پی از آن وامی دارند آماده مرگ باشید - که آینده است - و سایه خود بر شما افکنده است.

چون مردمی باشید که بانگ بر آنان زدند و بیدار گشتند، دنیا را ناپایدار دیدند و از سر آن گذشتند؛ - آخرت جاودان را گرفتند - و جهان فانی را هشتند. چه خدای سبحان، شما را به بازیچه نیافرید، و به خود وا نگذاشت تا هر چند که خواهید در دنیا به سر برید. میان شما تا بهشت یا دوزخ فاصله اندکی است که جز رسیدن مرگ نیست. مدت زمانی که چشم بر هم زدنی کوتاه سازد، و آمدن ساعت مرگ بیخ و بن آن را براندازد، چه کوتاه مدتی است؛ و غایبی مرگ که گذشت شب و روز آن را می خواند، سزاوار است شتابان باز آید، و پیکی را که مژده رستگاری یا پیام نگویندختی و خواری همراه





عدالت اجتماعی-اقتصادی درس‌سخن امام علی علیه السلام



سیدهادی حسینی



حق و باطل) ضد همنند، و برای دستیابی به عدالت لازم است، پیشه های ظلم و ستم از بن براید" و دادگری و انصاف" فراگیر شود، و خواسته های بحقق مردمان تأمین گردد. برای این که بحث (عدالت اجتماعی - اقتصادی در سخن امام علی (ع) روشن شود، نخست ضرورت حاکمیت عدل در جامعه یادآوری می گردد، سپس قلمرو عدالت اجتماعی بازگو می شود و سرانجام (سازو کارهای تحقق عدالت اجتماعی - اقتصادی) پایان بخشی این نوشتار است.

۱- ضرورت حاکمیت عدالت

الف. عدالت نیاز همه مردمان و پایه دین عدالت

این گواراترین جوهر حیات، "به عنوان یک نیاز اساسی و خواست همه مردمان در جوامع بشری مطرح بوده، هست و خواهد بود عدالت را می توان از امور محوری در حکومت دینی، و از ارکان دین دانست؛ "چه حیات ارزش های دینی و هدایت های دین با آن معنا و مفهوم می یابد، و در پر توان شکوفایی شود و نقش سازنده خود را در اصلاح فرد و جامعه و زیست درست و هدفدار آدمی می نمایاند. با عدالت می توان حق را استوار ساخت، و با عمل به حق به معیار اجرای عدالت دست یافت، و صراط پرهیزگاری راه یافت و رتبه های ایمان را پیمود و به کمال رسید. عدالت محوری پیروی از قانون عام

این بحث براساس تعالیم دین و مضمون آیات و روایات تنظیم یافته، و مسائل فقر و توسعه در نگرش اسلامی در آن مورد توجه است. اندیشه سیاسی و نظریه های مکاتب مختلف غیر اسلامی در آن مشاهده نمی شود. در راستای غنای بیشتر بحث گاه آیات قرآن، سخنان پیامبر و رهنمودهای دیگر امامان (ع) نیز استشهد شده است.

امید که این شیوه بحث مورد توجه حوزویان قرار گیرد، و زمینه بیشتر برای اشنایی با مبانی اصیل دین را فراهم آورد، و بررسی های گسترده تر و ژرفتر در این زمینه ها انجام گیرد و آموزه های قرآنی و حدیثی که در غوغای اندیشه های وارداتی مورد غفلت واقع شده اند، پویایی و به روز بودن خود را بنماید، و هر نسلی به فراخور ظرفیتهای فکری خود، پاسخهای مسائل فردی و اجتماعی را در آنها بجوید و از اقبانوس بیکران و بطون معارف اهل بیت (ع) بهره مند شود و مردمان با افزایش سطح آگاهیها و دانش پژوهی به متون قرآنی و حدیثی توجه کنند، و آن را اصل و محور قرار دهند و با پرتوهای نورانی قرآن و عترت حجابهای تاریکی را که فراروی آدمی قرار گرفته است به کناری زنند و به حل مشکلات و نابسامانی های فردی اجتماعی به گونه ای اساسی نایل آیند.

عدالت ریشه در سرشت انسانها دارد و در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی همگان خواهان حاکمیت عدالتند. عدل و جور (همانند



فرینش است؛ "چنانکه سیره انبیاست و عصاره پیام و رسالت همه مصلحان برای رستگاری و سعادت ادمی".

ب. عدالت و توسعه

با حاکمیت همه جانبه عدالت، توده مردم سطح زندگی مطلوب می یابند، رفاه اجتماعی - اقتصادی عاید همگان، و می شود و زمینه برای بالندگی و شکوفایی استعدادها فراهم می گردد. و به این ترتیب با گسترش خلاقیتها و مشکل زدایی و رفع نیازها رشد، پیشرفت و آبادانی و سازندگی جامعه را فرامی گیرد، و انسانها می توانند با بهره مندی از امکانات مطلوب و کارساز، از نابسامانی ها نجات یابند و بر دشمنان سیاسی - اقتصادی چیره گردند.

ج. عدالت و اصلاحات اجتماعی

جامعه بشری با عدالت قوام بایسته خود را می یابد، "و به صلاح و سعادت می رسد، حاکمیت عدالت در جامعه، انسانها را از پیروی روشهای نادرست برای سامانیابی بی نیاز می گرداند، و از ورطه هلاک کننده نادرستیها و دغلکاریها می رهاند.

حضور فعال عدالت در تار و پود جامعه و در پیدا و پنهان روابط اجتماعی، از عوامل اصلی انسجام اجتماعی است؛ چه با کاهش اختلاف فاحش درآمدها، جلوگیری از گسترش فاصله فقر و غنا، که با اجرای عدالت عملی می شود، فرصتهای

رشد و تعالی برای همگان پدید می آید، ناامنیها، اضطراب ها، شورش ها و آشوب ها کاستی می پذیرد، عصیان ها فرومی نشیند، مردمان آرامش می یابند، فرهنگ عطوفت و احترام به یکدیگر جانشین پر خاشگری ها، کشمکش ها و کینه توزی ها می شود، دلها به هم نزدیک می شوند، و جان و روان مردم پیوند و همبستگی فطری خود را باز می یابد و بدین گونه وفاقی ملی و الفت و انسی اجتماعی شکل می گیرد و گسترش می یابد.."

د. عدالت و نظام سیاسی

عدالت در نظام سیاسی اجتماعی از اساسی ترین عنصرهاست. "نظامی پایدار می ماند و پشتوانه مردمی می یابد که عدالت سامان یابد؛ "چه تنها انسانهای عدالت محور، می توانند با معیاری بدیل عدل" و بدور از توجیحات نارو، "نارسایایی ها را به سامان رسانند و ریشه های ظلم و ستم را که عامل نابودی تمدن هاست و دولت هاست و مانع بزرگ سعادت و پیشرفت آدمی در عرصه های مختلف زندگی است، بسوزانند و دشمنان داخلی و خارجی را از پای در آورند؛ بدنیشان به روشنی می توان دریافت که اجرای عدالت در جامعه یک ضرورت است و همه وظیفه دارند عدل را بشناسند و از چگونگی عدالت ورزی و تحقق عدل در جامعه آگاه گردند. و آن جا که عدالت قربانی بطلبد و زورگویی ها و بیداده ها چاره ای جز جنگ



و خونریزی باقی نگذارند، برای اقامه قسط پا خیزند. با آنان که به باطل گرایش یافته اند و آدمی را به بردگی گرفته اند و استعمار کنند، مبارزه کنند و حقوق مظلومان را از ظالمان و رفاه طلبان انحصاری باز پس گیرند و به حیات آدمی جان بخشند و عرصه را برای زیست آزاد و آباد برای همه مردمان آماده سازند.

۲- قلمرو عدالت ورزی

دامنه عدالت گسترده است و همه ابعاد کوچک و بزرگ زندگی را دربر می گیرد از این رو تعیین قلمرو خاصی برای آن دشوار است. عدالت در حکومت، قضاوت، روابط اجتماعی و... بخشی از افق بیکران عدالت را می نمایاند. نمونه هایی از این بسیار در بحث فشرده زیر، گویای گستره بحث عدالت است.

الف. عدالت در خدانشناسی

عدالت در خدانشناسی منزه دانستن خداوند از نارواهاست، باید باور داشت که خداوند عادل، ظلم به کسی نکرده است و نمی کند.

از آثار این بینش است که فقر و غنای موجود در جوامع و محرومیت های طاقت فرسا و اختلاف فاحش طبقاتی را نمی توان خواست خدا دانست، و آنچه را معلول علل و عوامل طبیعی و اجتماعی است را با بدموزی به خدا نسبت داد.

ب. عدالت در حکومت

عدالت در حکومت استفاده از معیار عدل در

برنامه ریزی ها و سیاست گذاری هاست. دستیابی به اهداف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باید با محوریت عدالت انجام گیرد. بر این اساس اموال و امکانات عمومی جامعه باید به طور مساوی بین همگان تقسیم شود، حقوق ضعیفان از قدرتمندان ستانده شود، بر کسی ستم نرود، ظالمان میدان نیابند و در ذلت افتند و برای مظلومان دادستانی شود. بازارها و قیمت ها روند صحیح و معقول یابد و شیوه دادوستد عادلانه گردد. در نظام قضایی فرهیختگان عادل و نفوذ ناپذیر به کار گمارده شوند، و در صلح و جنگ، عدالت ملاک قرار گیرد.

ج. عدالت در گفتار، عمل و ارائه خدمات

عدالت در گفتار حق گوئی است، اگر چه برای انسان زیان آورد. عدالت در عمل - که خود نشانه خردمندی است - در کاربرد شیوه های عادلانه در زندگی شخصی و روابط اجتماعی نمود می یابد. (اجام اعمال عبادی) ارائه خدمات اجتماعی و آموزشی نیز باید بر اساس عدالت صورت گیرد. عدالت در مصرف با پرهیز از حرام و اسراف و دوری از خست و هر نوع عملکرد ناروا است. عدالت نسبت به خود، بیداری وجدان است و نهادی ساختن عدل در جان و مبارزه با خواهش ها و هواهای نفسانی. رعایت عدالت در بین خانواده و فرزندان، زندگی زناشویی، فامیل و دوستان نیز در دین تاکید شده است.

در قضاوت "، شهادت"، روابط اجتماعی، ارتباط



۳- ساز و کارهای تحقق

عدالت اقتصادی - اجتماعی

اسلام در راستای تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی، کاهش فاصله فقر و ثروت، مبارزه اصولی با عقب ماندگی، تحولات فرهنگی اساسی در فکر و ساخت اقتصادی جامعه، مبارزه با قدرت طلبی و برتری جویی، ایجاد انسجام اجتماعی و افزایش روح دگر دوستی و احترام به انسان و ارج گذاری نسبت به حقوق او، مکانیسم هایی را در قانونمندی ها و فرهنگ دین نهادها ست، که رعایت آنها نوید بخشی جامعه آرمانی دین است. جامعه ای کمال یافته و سعادتمند و به دور از هر ظلم و تبعیضی.

چگونگی وضع مالیات که بر اساس نظر کارشناسان و موافقت پیشوای مسلمانان، ممکن است در زمانهای مختلف، و نسبت به شغل های گوناگون نوسان یابد، یا مالیاتهای ثابت مانند خمس و زکات، اصل انفاقهای واجب، اصل انسانی برادری اسلامی، و اصل مساوات، حقوق معلوم، همچنین اقدامات دولت در تقسیم مجدد امکانات و منابع، و بازپس گیری اموال غصبی، لزوم کمکهای مستقیم دولت و مردم به گروههای کم درآمد، اصل تعاون و مددکاری اجتماعی و تکلیفی بودن آن در مواقع نیاز و حقوق مالی غیر الزامی چون: همه کارهای انسانی و نیک که از آن با تعبیر معروف و صدقات یاد شده است، وجود برنامه ها و ارزش های ویژه ای را در فرهنگ دین به اثبات می رساند.

با کسانی که اسلام را نپذیرفته اند ولی به رفتار و ارزشهای انسانی پایبندند، در وصیت، و در هر نوع حرکت و اقدام و رفتاری؛ دین، مردمان را به عدالت فرامی خواند.

گستره عدالت فراتر از عوامل اقتصادی، اجتماعی و زندگی انسان است. در نگرش کلان دین و در نظام تکوین، شالوده حیات موجودات بر پایه عدالت نظام یافته، است.

در بینش امام علی (ع) قوام موجودات و جانداران وابسته به عدل است. و با عملی است که هر چیزی جایگاه بایسته خود را می یابد. بر این اساس دین، انسان را به سوی زندگی متعادل فرامی خواند؛ زیستی که در آن عرصه بر دیگر جانداران محدود نشود،

به تخریب طبیعت و آلوده سازی محیط زیست نینجامد و جلوه های حیات در آن فعال و شاداب باقی بماند. و این گونه است که انسان دینی، سفره رنگین طبیعت را به خود اختصاص نمی دهد و جبارانه از آن استفاده انحصاری نمی کند منابع و معادن را برای سودجویی انسان نماهای گرگ صفت، دیوانه وار از میان نمی برد، زیست اترافی و اشرافی که در آن مصرفهای اسراف و بی رویه، مراتع و جنگلهار نابود سازد و آب ها را آلوده و زندگی را در کره خاک برای مردمان خطر آفرین گرداند، نمی پسندد. و اگر این گونه عمل شود از همه مواد استفاده معقولی، به عمل می آید و مشکلات فراوان طبیعی، اجتماعی، سیاسی بروز نمی کند.



همچنین تعالیمی مانند: ایثار و دگردوستی، احسان، انصاف، ظلم ستیزی، حق محوری و ... همه، ساز و کارهایی هستند که عدالت اقتصادی و اجتماعی را در جامعه اسلامی عملی می سازند. یاد کرد این مطلب لازم است که بسیاری از برنامه ها و سیاستگذاری ها در جامعه با مسأله عدالت اجتماعی ارتباط دارد. اموری چون: آموزش، بهداشت، تغذیه، اشتغال، سرمایه گذاری، اصلاح نظام تولید، توزیع و خدمات، مساله زمین و کشاورزی و... باید با معیار عدالت، رشد و توسعه یابد، و بررسی درباره هریک از آنها نوشتار جداگانه ای را می طلبد. آنچه در این جا بازگو می شود، راهکاری روشن و محسوس است که به طور مستقیم با پدیده عدالت اقتصادی- اجتماعی در رابطه است و به عنینت یافتن آن در جامعه می انجامد.

۱) تقسیم عادلانه امکانات و منابع

اختلاف در ثروت و درآمد تا آنجا که از میزان استعداد، تلاش و فعالیت ناشی شود، برای بقای حیات انسان و جامعه انسانی ضروری است؛ لیکن لازم است از آنچه به کل جامعه و همه مردم تعلق دارد، همه به طور مساوی بهره مند شوند. از این رو نخست

باید امکانات زیستی و درآمدی بین مردمان یکسان تقسیم شود، و فرصتهای برابر رشد برای همه افراد و آحاد جامعه فراهم آید. در نگرش دین فرد، گروه یا سازمانی حق ندارد به

بهانه موقعیتهای سیاسی، اجتماعی، مذهبی و شایستگیهای شخصی یا گروهی از امکانات عمومی استفاده بیشتر ببرد، و برای خود اولویت قرار دهد. در این بینش امتیازات معنوی، تقوی و فضایل اخلاقی، ایمانی و ارزشمداری ها با امتیازات مادی هیچ گونه رابطه ای ندارد و با آنها مبادله نمی شود، و از اساس، طرح چنین داد و ستدی نابجا و راهی به خطا و انحراف است. همه جهان هستی و پهنه گیتی، آسمانها، کهکشانها و زمین ملک خداست، که آن را واگذار به رسول خود کرده است. و پس از پیامبر (ص) در اختیار جانشینان او قرار دارد، و در زمان غیبت، حکومت اسلامی عهده دار این امر است. از سویی خدا، امکانات و منابع گسترده و فراوان زمین را از آن همه مردم دانسته، بدون آن که موهبتهای طبیعت را به گروه، نژاد یا طبقه خاص منحصر سازد.

در نگاه دیگر اموال و امکانات در دست مردمان عاریه و امانت است، و تصرفات در آنها از حد کالت و جانشینی فراتر نمی رود. بنابراین، مال خداست و مردم بندگان اویند، و در بهره مندی از منابع اقتصادی میان نهادها، گروهها و افراد امتیازی قرار داده نشده است، و این خود پشتوانه نیرومندی برای دولت اسلامی فراهم می آورده که به تقسیم عادلانه امکانات دست یازد و ریشه برتری جویی و اختلاف های فاحش ثروت اندوزی و درآمدی را از بن برارد، و عدالت را در جامعه تجسم بخشد.



۲. تغییر ساختار فرهنگی - اجتماعی

برای تحقق عدالت اجتماعی - اقتصادی لازم است تغییرات بنیادین در نگرش و شیوه زندگی فردی و اجتماعی پدید آید، در این باره دین، تعالیم راهگشا، اندیشمندانه و سعادت ساز دارد؛ که نهادهای شدن آنها در جامعه زمینه مناسب را برای پذیرش عدالت و حرکت به سوی آن فراهم می کند. اکنون بررسی برخی از این تعالیم و معیارها:

در نگرش دین رفاه زدگی و اشرافیگری، کنز و ویژه سازی امکانات و انحصارگرایی در اموال، روشی خطا، ویرانگر و هلاکت بار است، و آن که چنین روشی را در زندگی برگزیند، حیات کنونی و پس از مرگ خود را تباہ ساخته، در عذابی دردناک و سوزنده گرفتار خواهد آمد.

ب. بخل (تنگ نظری) و حرص نشانه بیماری روان آدمی است و عوامل متعددی در شکل گیری این دو پدیده زشت و شدت آن در برخی افراد دخالت دارد. دین از انسان می خواهد صفحه دل خود را از خصلت های این چنین پاک سازد و به سامان دهی به زندگی دیگران و فرافرد اندیشی روی آورد زیرا رشد خوبی های نادرست در ضمیر انسان او را به هر رفتار و اقدام ناشایستی وامی دارد.

ج. احیا و رواج فرهنگ وقف (دائم و منقطع) در جامعه از ارزش هاسی مهم و انسان دوستانه دین است که همراه با شناخت درست از تعالیم اسلامی درباره مسائل اقتصادی دوراندیشانه ی

تواند به تامین زندگی فقیران و تعدیل ثروت ها بیانجامد و تغییرات بنیادین در مالکیت پدید آورد، و گذشته از این بسیاری از خط مشیها را اصلاح سازد و متناسب با امکانات، زمان و نیازها در روند مطلوب سوق دهد.

د. در فرهنگ دین، بسیاری از اقدامات در راستای تعدیل ثروت و درآمد است. در تعالیم اسلامی آمده است؛ هر کس می خواهد خواسته اش را خدا بر آورده سازد، باید بخشی از درآمد خود را ویژه بینوایان سازد، هر که به بلای زت و ناگفتنی مبتلا شده برای رفع آن با ثلث مالش خود را بیمه کند. آغاز هر ماه بر اساس توانایی، سلامتیش را در آن ماه تامین کند. ارث کسانی را که وارث ندارند، به فقیران و ضعیفان اختصاص یابد، و هر کس توان انجام پاره ای از اعمال عبادی را ندارد، به جای آن به نیازمندان رسیدگی کند.

ه. فقر زدایی در اسلام تکلیفی الزامی است، و مسولیتی است عظیم که بر عهده توانگران گذاشته شده است. بایسته است ثروتمندان و دارندگان امکانات، مستمندان و اقشار کم درآمد را دوست بدارند و دوستی به این است که آنان را پوشش مالی دهند و در دستیابی به سطح زندگی مطلوب یاری رسانند و از ضایع شدن حقوق آنها جلوگیری کنند، به این وسیله بر کیفیت اعمال عبادی و ثمربخش ساختن آن بیفزایند و سرای جاویدانشان را آباد سازند، و با سنگدلی و بی تفاوتی نسبت به آسیب پذیران و

روزگار

عالم الحوی الحوی علی
علی باقر اسدو حن باعلی





سازد، و این کانون ایمان را مظهر دانش و بینش و گذشت کند؛ و مددکار جامعه باشد؛ و با کمک به در ماندگان و دلجویی از آسیب پذیران و ناتوانان، مسلمان خود را بیازماید؛ و با نغمه نوع دوستی به یاری مردمان بر خیزد، و یکدل و پا ک نهاد و با همه توان در خدمت به حق و حقیقت بکوشد.

ح. دین شخصیت کاذبی را که سرمایه داری برای افراد می سازد به هیچ می انگارد، و انسان ها را آگاه می کند که پلییدی، زراندوزی و بی عدالتی را حجاب چهره جان خود نسازند و شیفته زندگی سراسر مادیت نگردند، و در راستای تقویت فکر مساوات افراد بشر همه معیارهای امتیاز را درهم شکنند و به خاطر ثروت و قدرت در برابر ثروتمندان سرفروند نیاورند، و شرم آورانه در برابر توانمندان چابلوسی نکنند. و از افکار و رفتار زورمندان فاسد چپروی نکنند، و بر خوشگذرانی های آنان صحنه نگذارند.

ط) زندگی آسایش بخش و معقول دین، زیست در حد کفایت است. که در پرتو آن انسان دینی بر خود لازم می دارد راهی به دور از افراط و تفریط در پیش گیرد.

۳) مالیت ها

افق مالیاتی که اسلام در درآمدها معین کرده است، دامنه ای گسترده دارد. برخی از آنها مانند خمس و زکات و حق معلوم واجب و الزامی

محرومان، اسباب نزول بلا، از دست رفتن ثروت، و رکود فعالیت های اقتصادی را فراهم نیاورند. در بینش دین، بینوایان در اموال ثروتمندان شریکند. غفلت از این امر، گناهی است بزرگ که ریزبینانه حسابرسی می شود؛ چه در حلال دنیا حساب است و در حرام آن عقاب و مال و امکانات، ایزاری است برای آزمایش و امتحان.

و) زندگی در این دنیا با همه هواس ها بسیار اندک است. نعمت ها در این دنیا با آن که شگفت انگیزند، ناچیزند؛ روزهای عمر به سرعت می گذرد، دیر یا زود مرگ فرا می رسد، و آدمی در دل تیره خاک جای می گیرد و همچون مسافری باید راهی جهان پس از مرگ شود؛ جهانی مه در آن ایمان و عمل صالح کار است و برخوردار از نعمت های آن توصیف ناشدنی است، و اینها همه به نیکی، پالک نهادی، رعایت در ماندگان و ناتوانان، گشاده دستی، گذشت و رفتار و کردار درست و انسانی در این جهان بستگی دارد، و عذاب های آن جانکاه و سوزنده و شکنجه های دردآور آن به میزان جفاها، ناپاکی ها خوشگذرانی های نامشروع و خودپرستی هاست، و در خور تقصیرها و غفلتها

ز. غنا در قناعت است؛ یعنی بسندگی در مصرف ها و هزینه ها، به آن مقدار که دین می پسندد و در سطحی که تعالیم دین تعیین کرده است. غنای واقعی در اصالت دادن به اندیشه هاست، و در این که انسان دل را از الایش ها پاک

اند، بعضی چون انفاقات و صدقات شاخص دین باوری و نودوستی به شمار می روند. تشویق ها و تهدیدهای دین درباره کمک های مالی، در تعدیل ثروت، و زدایش فقر نقش مهمی دارد و با کاهش افسردگی، خستگی و فشار معیشتی فقیران ایجاد عدالت اقتصادی - اجتماعی را ممکن می سازد و سرانجام همگان موظفند از اصل اموال خود، برای رفع کمبودهای فردی و اجتماعی، هزینه کنند تا مرزی که نیازها برطرف شود.

گذشته از این، وظیفه دولت اسلامی است که عدالت را در همه ابعاد آن و نسبت به همه افراد و در همه زمینه ها در جامعه تحقق دهد و در سیاستگذاری ها و برنامه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی فرهنگی و خود آن را اساس و معیار قرار دهد، و با محوریت عدالت، بستر فعالیت اقتصادی و زیست مناسب را برای مردمان فراهم کند. این امر اقتضا می کند که دولت بر مبنای عدل و انصاف و به میزان نابرابری ها و وجود ثروتها در جامعه و شاخص نیاز و مصلحت از توانمندان، مالیات بگیرد و مانع رشد ثروت های کلان و نامشروع شود، و در برابر هر نوع انحصار طلبی در حقوق مردم، بایستد و جامعه ای سراسر عدل و رفاه پدید آورد.

امام علی (ع) که می تواند در ایجاد عدالت اجتماعی در جامعه نقش فعال ایجاد کند، و زمینه مناسب برای تکاپوی اقتصادی فقیران و بهبود سطح زندگی طبقات فرودست فراهم آورد، اختصاصی بخشی از درآمدهای جامعه به آنان است، که خود می تواند زندگی اجتماعی آنها را در رهگذر روزگار استوار سازد، و از اندوهشان بکاهد، و نگرانی و افسردگی و پژمردگی را از دامنشان بزداید و استعداد هایشان را شکوفا سازد. و در نتیجه توان یابند از مبنای استوار ارزشی و مواضع انسانی خود دفاع کنند و با حفظ شرف انسانی خویش و حصول توانایی در زندگی حال، برای آینده بگونه ای برنامه ریزی و چاره اندیشی کنند که رشته زندگی و حیات اقتصادی آنها کمتر در معرض تهدید استثمارگران قرار گیرد، و مجبور نشوند چون بردگان به دنیاداران خدمت کنند، و کار و کالای خویش را به بهایی اندک در اختیار سرمایه داران قرار دهند.

گذشته از این، وظیفه دولت اسلامی است که عدالت را در همه ابعاد آن و نسبت به همه افراد و در همه زمینه ها در جامعه تحقق دهد و در سیاستگذاری ها و برنامه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی فرهنگی و خود آن را اساس و معیار قرار دهد، و با محوریت عدالت، بستر فعالیت اقتصادی و زیست مناسب را برای مردمان فراهم کند. این امر اقتضا می کند که دولت بر مبنای عدل و انصاف و به میزان نابرابری ها و وجود ثروتها در جامعه و شاخص نیاز و مصلحت از توانمندان، مالیات بگیرد و مانع رشد ثروت های کلان و نامشروع شود، و در برابر هر نوع انحصار طلبی در حقوق مردم، بایستد و جامعه ای سراسر عدل و رفاه پدید آورد.

۴ - توزیع بخشی از درآمدها به طبقات کم درآمد
 از راهکارهای سودمند و چاره ساز در سخن

۵ - پیوند اقتصادی خانوادگی

پیوند اقتصادی و اجتماعی در سطح خویشاوندان که به «صله رحم» معروف است، هدفی است پاک و مقدسی، که امام علی (ع) بر آن انگشت تاکید نهاده است. خویشاوندان از یکدیگر بیشتر آگاهند، از دار و ندار هم باخبرند، و اطلاعات درست، همه جانبه و دقیق دارند. از این رو در تعالیم دین سفارش شده است که

در برابر تمدن‌ها، پیشرفت و سعادت انسان‌ها جلوه‌گر شده است. با اندک تاملی، مطالعه و بررسی تعالیم دینی و آموزش‌های پیام‌آوران، به آسانی می‌توان دریافت که وجهه ارزش، اعتبار و امتیاز انسان در راستگی به پرهیزگاری و اوصاف و کمالات اخلاقی و انسانی است. رنگ پوست، نژاد خاصی، پیشینه وراثتی و فامیلی، زشتی و زیبایی و جنسی خاصی (زن یا مرد) به خودی خود فضیلت ندارد و مایه برتری نیست. امتیازجویی با تکیه بر این پندارها نوعی آلودگی روحی و مخالفت با جنبه‌های انسانی است. و از عواملی است که جانمایه‌های اندیشه و جوهر روح و فکر و استعدادها را تباہ می‌سازد و به نازایی اندیشه‌ها و سترونی بینشها میانجامد و با نامتعادل ساختن زندگانی‌ها، زیست‌آدمی را از هدف و مقصود عالی و حیات سازنده و ماندگار دور می‌کنند و با ایجاد فضای تردید و تزلزل به انحطاط و سقوط جامعه انسانی می‌انجامد.

۷- اصلاح نظام آموزشی

بسیاری از نابرابریهای اقتصادی-اجتماعی و اختلاف فاحش سطح زندگیها و درآمدها با میزان دستیابی به علوم و فنون و کسب مهارت‌های علمی و تخصص‌ها رابطه‌ای مستقیم دارد، و نظام آموزشی راهی است برای دراختیار گرفتن پست‌ها و مسؤولیت‌های مهم و درآمدزایی جامعه و رشد و پیشرفت فردی و اجتماعی. از این رو اصلاح این نظام، نقش

برای نیل به کمال و عروج روح و تعالی جان و دریافت جوهر زندگی و رشد اقتصادی درست، بجاست هر کس در فامیل خود بنگرد، مشکلات مختلف آنها را دریابد، و در حد توان برای تأمین نیازمندیهای زندگی آنان در بستر حیات فردی و اجتماعی تلاش و کوشش کند، و از شکل‌گیری فاصله‌های طبقاتی و نابرابری‌های اقتصادی در سطح فامیل و بحران‌های اقتصادی خانوادگی جلوگیری کند و در نتیجه همراه با همبستگی روانی خانواده، همگونی در زیست اجتماعی، پدید آید، و به این وسیله خصلت‌های انسانی، مبانی تربیتی و سیمایی معنوی انسانها رشد کند، عمرها افزون شود، دشواریها و موانع و تنگناها برطرف گردد، و با این شیوه خردمندانه و بینش واقع‌بینانه ناخوشی‌ها و اندوه‌ها پایان گیرد، و با استواری زندگی‌ها، مردم به سوی دنیایی آباد و توسعه پایدار گام بردارند.

۶- نفی تبعیض طبقاتی و نژادی

انسان دین‌باور با همه وجود و با تار و پود جان و روان خود مخالف تبعیض طبقاتی و نژادی است، و باور دارد که این امر برخلاف فطرت و انسانیت انسان است. این معنا نیز در سخنان امام علی (ع) در بخشش ویژه‌ای دارد و فریادی است رعد آسا.

تبعیض پیامدهای نامطلوب دارد، و در تمام دوران تاریخ، آدمی را رنج داده و او را در کوره بیداد تبعیض گذاخته است. و به صورت آفتی



مهمی در حاکمیت عدالت در جامعه دارد. بجاست همه افراد جامعه از فرصتهای آموزشی برابر برخوردار شوند و بستر پرورش فکر، رشد دانش و بینش و آفرینشهای ابداعی و ابتکاری و ارتقای سطح فرهنگ و آگاهی ها برای همگان فراهم آید و رشد علمی حالت طبقاتی، وراثتی و خانوادگی نیابد، و ثروت توانمندان کوشش و تلاش خستگی ناپذیر و بی امان گروه های کم درآمد جامعه را برای رسیدن به مراحل بالای علمی عقیم نسازد.

وجدان انسانی و امانت علمی اقتضا دارد که عالمان به دور از تبعیض و تعصب، علم را به افراد با صلاحیت و لایق بیاموزند، به دانش پژوهان یکسان بنگرند، و با جانبداری از مسکینان و گروههای فرودست آنان را در رقابت علمی سالم یاری رساند. تا با همراه ساختن علم و عمل به امیدها و آرزوهایی به حق و انسانی خویش دست یابند، اعتماد به نفسی خود را باز یابند و احساس شخصیت کنند و با همتی بلند در افاق دانش سیر کنند و با تلاش فکری راه حل های مناسب برای مسائل زندگی بیابند و دیگر بار در نظام اجتماعی جای پای استوار و مناسبی بیابند.

۸- محدودیت در مصرف

در طول قرون و اعصار، مصرف گرایان و مترفان همواره جبهه ضد توحید را تشکیل داده اند، و از این رو مصرف بی رویه با گرایش های الحادی همسواست و ناشی از طغیان، ناآگاهی و فقدان

درک صحیح و درست نسبت به آینده است، در نگاه امام علی (ع)، مصرف اسراف آمیز منابع و امکانات فراوان را تباه می سازد، و به سقوط دولتها و تمدنهای انجامد و چه بسا به انقراض گونه های گیاهی و جانوری منجر شود و بطور کلی حیات را در کره خاکی ناممکن سازد.

الگوی اسلام، مصرف متعادل است؛ یعنی مصروف به دور از زیاده روی یا فرومایگی و خست، مصرف متنوع و پاسخگوی انواع نیازها و سودمند به حال انسان. مصرفی که قوام بخشی زندگی و گواراساز حیات است، عالمانه و خردمندانه است. در حد کفایت آدمی است و با فطرت وی سازگار؛ و خود تضمینی است برای بقای امکانات و رشد و بالندگی اقتصادی جامعه و افزایش توانمندی های فردی و اجتماعی همگان و اسایش و رفاه انسان.

این شیوه نگرش در مصرف، که اسرافکار را متجاوز به حقوق مردمان می داند، و گستره مصرف را در مال شخصی و حلال محدود می کند. در راستای اصل عدالت قرار دارد و زمینه ساز تحقق آن است؛ زیرا در پرتو آن توده مردم فرصت می یابند از کالاها و امکانات استفاده کنند و به نیازمندی های خود دست یابند. نابسامانی ها کمتر پدید آید و فقر و فلاکت در جامعه گسترش نیابد و دشواری ها و مشکلات و گرانی مصنوعی کالاها، مردم را در سختی و مشقت نیفکند.



۹- سالم سازی درآمدها

سالم سازی درآمدها از مهمترین راهکارهایی اجرایی عدالت اقتصادی - اجتماعی است، و در این زمینه هر یک از دولت و مردم وظایفی را بر عهده دارند. حوزه مسئولیت خطیر دولت ایجاد می کند که با برگزیدن روشی خردمندانه به اصلاح نظام اداری بپردازد. بر بازار، دادوستدها و تولید کالاها، توزیع آنها و ارائه خدمات اداری و غیره، نظارت همه جانبه و کامل و مؤثر خود را اعمال کند و با نرخ گذاری و جلوگیری از انحصارات و احتکار و کنترل صادرات و واردات و شناخت دقیق روند تولید و توزیع، به انتظارات مردم و توقع روانی آنها پاسخ منطقی و قانع کننده دهد. با آنان که خوی و منش افزون خواهی دارند و در راستای سودجویی و زراندوزی، به فراسوی زندگی مادی کمتر می اندیشند و به حقوق بیکران جامعه و مردم بی توجهند، بشدت برخورد کند، و از موجودیت و شخصیت کسانی که صادقانه زحمت می کشند و فداکاری ها دارند، دفاع کند و از دستاوردهای رنجدیدگانی که در معرض استثمار دنیا پرستان قرار دارند، حمایت کند و با بهره گیری از نویسندگان دانا، پیشوایان فکری و معنوی و با زبانی رسا و شیوا مردمان را به سوی حسن روابط بهتر اجتماعی و کسب درآمد حلال فراخواند و فضای جامعه را بر مبنایی صحیح شرعی، عقلی و عرفی برای زندگی همه مردم مساعد سازد. مردم نیز وظیفه دارند از جمع آوری مال حرام

به شدت بپرهیزند و زندگی خود را با شیوه های نادرست کسب و کار نیالایند و با گرانفروشی ها و کم فروشی ها و کلاهبرداری ها و استثمارگری ها، شغل های ناسالم و واسطه ای، معاملات ربوی، "تقلب در تولید و.. که همه ضد قانون دین و ارزشند، سرمایه های معنوی را از دست ندهند، وارزشهایی راستین را در نظام دادوستد فراموشی نکنند و با رواج رشوه خواری و بی قانونی گرمای حیات را در جامعه سرد و بی تحرک نسازند و با اعتقاد راسخ به لطف و عنایت الهی و پایبندی به ارزش ها، حسن تأثیر و کارایی دستورها و تعالیم دین را در عرصه هایی مختلف حیات اقتصادی و اجتماعی و کسب درآمد حلال، به، جهانیان بنمایند، و الگوی مناسب برای زندگی درست فراراه انسانها نهند.

۱۰- تغییر جهت سرمایه گذاری ها

برای آن که گروه های محروم کم درآمد جامعه و کسانی که از کمی بضاعت مادی رنجورند، از یک زندگانی درست برخوردار گردند، و راهی معقول برای زندگی متناسب با زمان بیابند، لازم است سرمایه گذاری ها هر م آسا و از قاعده نوع دوستی و فقرزدایی به نفع مستمندان تغییر جهت یابد، و دستمایه مطلوب برای رشد و ترقی آنان که تهیدستند فراهم آید. و به این وسیله به اندیشه های خلاق توده های مردم میدان داده شود، تا به استحکام مواضع انسانی خود و با ایستادگی



نیازها و خواسته های همدیگر می‌وشند و هزینه های زندگی ناتوانان را بر عهده می‌گیرند، و از خوراک، پوشاک و مسکن آنها که فاقد توان اقتصادی اند غافل نمی‌مانند، در شادی و ماتم، خوشی و ناخوشی در کنار برادران دینی خود به سر می‌برند و همدم آنها می‌گردند، الفتی استوار آنان را به هم پیوند زده است، بگونه ای که حاضرند گوهر جان و عمر خود را برای تکامل یکایک افراد و تعالی همه جنبه های شخصیتی آنها به کار گیرند. چنین راه و رسمی و احساس چنین وظیفه حیاتی و خطیر همراه با خدمت صادقانه، نوید بخش تحقق عدالت و راهگشایی زندگی بسامان و درست انسانی است. فضایی که در آن جوهره انسانی رشد و اعتلا می‌یابد و با تکامل روح و تعالی روان و دستیابی به مقاصد بنیادین، عیار انسانی افزایش می‌یابد و آتش امید در دلها فروزان میگردد.

و شکیبایی و سخت کوشی، امور زندگانی را سامان دهند و با برقراری تعادل در جامعه و رواج همکاری، جلوه گاه دستاوردها و تلاش ها و کوشش های برجسته شوند، و مایه سربلندی کشور و خیرگی و شگفتی دولتمردان گردند. حرکت به سوی عدالت بدون توجه به توده های مردم و بی دستگیری آنان، بی فایده است. نادیده گرفتن استعداد های گروه های اصیل و فرودست جامعه و چشم فرو بستن از توانایی ها و کارایی ها و سجایای انسانی آنان، امری خطا و نابخاست.

۱۱- برادری و برابری است

اصلی مساوات و زیست برادرانه در جهان بینی دینی، اصلتی ویژه و جایگاه و اهمیتی خاص دارد، و قلمرو آن نامحدود و گسترده است. این اصل مبتنی بر واقع بینی و برخاسته از بلوغ عقلی انسان است. انسان دینی با اصل اخوت در برابر آزمایشی سخت و دشوار قرار می‌گیرد، باید از گرایش های مادی خود بکاهد و از افزون خواهی بی بندوبار، دست بکشد.

بر اساس این اصل مهم دینی - اجتماعی، مؤمنان حقیقی و راستین آنانند که دوستدار سعادت و نیکبختی دیگر مردمانند، و به اقتضای زمان و نیازمندی های روزگار و به تناسب امکانات، از آنچه دارند دیگران را بهره مند می‌سازند. با روح خدمتگزاری و کوشش مداوم و خستگی ناپذیر، در راستای تأمین

